

به نام خدا

در محضر استاد بزرگ

درک خود را از استراتژی و روانشناسی شطرنج با بوریس گولکو افزایش دهید

نویسندگان: بوریس گولکو - جوئل اسنید

مترجم: نیما فرحی

ویراستار: احسان محمد اسماعیل

نشر جوان

فهرست

۵	مقدمه
۶	پیشگفتار
۷	مقدمه نویسندگان
۱۵	۱- ب. گولکو- ت. رجبوف، مالمو ۲۰۰۱
۲۵	۲- و. براون- ب. گولکو، قهرمانی آمریکا، لس آنجلس ۱۹۹۱
۳۴	۳- آ. مایلز- ب. گولکو، مسابقه آزاد جهانی فیلادلفیا ۱۹۸۷
۴۴	۴- م. تایمانوف- ب. گولکو، قهرمانی شوروی، مسکو ۱۹۷۶
۵۶	۵- ب. گولکو- ر. پونوماریف، پامپلونا ۹۷/ ۱۹۹۶
۶۵	۶- پ. ولف- ب. گولکو، قهرمانی آمریکا، دورانگو ۱۹۹۲
۷۳	۷- ب. گولکو- گ. کاسپاروف، قهرمانی شوروی، فروزنه ۱۹۸۱
۷۹	۸- ب. گولکو- آ. شابالوف، برن ۱۹۹۲
۸۵	۹- ب. گولکو- ج. هکتور، کپنهاگ ۲۰۰۰
۹۱	۱۰- آ. سوئتین- ب. گولکو، مسکو ۱۹۷۲
۹۹	۱۱- ب. گولکو- اُ. پانو، وینادل مار ۱۹۸۸
۱۰۷	۱۲- ب. گولکو- ی. سیراوان، قهرمانی آمریکا، سالت لیک سیتی ۱۹۹۹
۱۱۹	۱۳- ب. گولکو- ر. هوبنر، بی یل ۱۹۸۷
۱۳۰	۱۴- ب. گولکو- آ. بلیاوسکی، گرونینگن ۱۹۹۳
۱۳۸	۱۵- آ. یوسوف- ب. گولکو، هاستینگز ۹۰/ ۱۹۸۹
۱۴۶	۱۶- و. کورچنوی- ب. گولکو، آمستردام ۱۹۸۹
۱۵۶	۱۷- آ. شابالوف- ب. گولکو، المپیا مانیل ۱۹۹۲
۱۶۳	۱۸- ب. گولکو- و. کوپریچیک، قهرمانی شوروی، ریگا ۱۹۸۵
۱۷۳	۱۹- و. هورت- ب. گولکو، نیکسیچ ۱۹۷۸

- ۱۸۲ ۲۰- ب. گولکو- و. اسمیسلاف، قهرمانی شوروی، لنینگراد ۱۹۷۷
- ۱۹۱ ۲۱- ب. گولکو- م. آدامز، گرونینگن ۱۹۹۰
- ۲۰۰ ۲۲- ب. گولکو- آ. کاریف، دوس هرمانس ۱۹۹۴
- ۲۱۱ ۲۳- ب. گولکو- ب. گلفاند، آمستردام ۱۹۸۸
- ۲۲۱ ۲۴- ب. گولکو- ب. لارسن، هاستینگز ۸۹/ ۱۹۸۸
- ۲۳۰ ۲۵- ب. گولکو- گ. کاسپاروف، لینارس ۱۹۹۰
-
- ۲۳۹ نمایه گشایش‌ها
- ۲۴۰ نمایه بازیکنان

مقدمه

چه استادان که من شهمات کردم
چه شاگردان که من استاد کردم
مولوی

ادبیات شطرنج دایره وسیعی است که همه نوع کتابی در آن یافت می‌شود. اینکه کتابی را بتوان پیدا کرد که برای جمیع اهالی شطرنج مملکت مفید باشد و شمول استفاده از آن استاد و مبتدی را در برگیرد، کمیاب و بلکه نادر است. علت هم روشن است، وسعت این ادبیات و نیازهای روز به روز نوشونده جامعه شطرنج ایران، کار انتخاب را دشوار می‌کند. خوشحالم که کتاب حاضر واجد این شرایط است. همه دوست دارند بدانند در ذهن یک استادبزرگ موقع انتخاب حرکات چه می‌گذرد و مبنای تصمیم‌گیری استادبزرگان کدام است.

استادبزرگ بوریس گولکو که هم قهرمان شوروی و هم قهرمان آمریکا بوده است، ۲۵ بازی خود را با قهرمانان و هم‌ردیفان خویش زیر ذره‌بین گذاشته است و با همکاری دکتری روانشناس که شطرنج‌بازی آماتور نیز هست، هر یک از این بازی‌ها را به کلاسی تبدیل کرده که حیرت‌انگیز است. ماجراهایی که در هر نبرد شطرنجی روی می‌دهد به قدر کافی جذاب هست، حال حساب کنید که یک طرف ماجرا ضمن شرح داستان، دم به دم شما را با طرح پرسش به چالش بکشد که چرا و چگونه کار را باید به پیش برد؟ حاصل کار کتاب درجه یکی است که پیش روی شماست.

این کتاب خواندنی را دوست عزیزم، نیما فرحی ترجمه کرده است و در این راه سپاسگزار الطاف آقایان حمید صاحب‌نظر، سید امیرسیامک مقیمی اصل، آرش صباحی‌فرد، آرش گیلانی و سرکار خانم آیدا گل‌محمدزاده بوده است.

امیدوارم نتیجه کار مورد توجه علاقه‌مندان شطرنج قرار گیرد و «در محضر استادبزرگ»، سهم خود را در غنی کردن ادبیات شطرنج ایران عهده‌دار شود.

احسان محمداسماعیل

مقدمه نویسندگان

جوئل: می‌شود قدری در مورد پیشرفتتان به عنوان یک شطرنج‌باز بگویید، چه زمانی شروع کردید و شروعتان چگونه بود؟

بوریس: در سال ۱۹۵۹ در سن ۱۲ سالگی برای اولین بار وارد باشگاه شطرنج «خانه پیشاهنگان» شدم. اولین احساسم در مورد بازی این بود که شطرنج، دنیایی از ماجرا است، دنیایی که در آن سربازها وزیر می‌شدند و ضعیف‌ها به‌طور غیرمنتظره‌ای بر قدرتمندان پیروز. هر کسی باید همه توان ذهنی‌اش را با تمام قدرت و جادویی که در صفحه وجود دارد به کار بگیرد. همان‌طور که به تدریج منطق شطرنج را درک کردم، دنیای شطرنج شروع به نظم یافتن کرد. سیزده سال آموختن سپری شد و من آموختم کشتی خود را میان دریایی از تلاطم و پیچیدگی، مانور دادن در آبهای آرام، هزار توی استراتژی و عمق آخربازی هدایت کنم. در سی‌وهفت سال بعدی چیزهای بیشتری کشف کردم که تازگی داشت. وقتی جوانیم را از دست دادم، که اولین و مهمترین چیز بود، در خودم توانایی‌ای را کشف کردم که برای هر اقدامی مفید بود: ساختن شخصیت. مانند یادگیری عمق استراتژی، این فرایند هیچ‌وقت تکمیل نمی‌شود. در آغاز سفر در سنین بلوغ، من بیش از اندازه اعتمادبه‌نفس داشتم. حالا گاهی خود را دست کم می‌گیرم و شطرنج همیشه ارزیابی مرا از خودم تصحیح می‌کند.

جوئل: یکی از چیزهایی که مرا جذب شطرنج می‌کند این است که شما چقدر از طریق بازی درباره خودتان می‌آموزید. اینکه به‌عنوان یک شخص، در کانون چه کشمکش‌ها و تضادهایی هستید، چگونه با این تضادها کنار می‌آیید، چه احساسات نیرومندی دارید و چگونه آنها را مدیریت و بر آنها غلبه می‌کنید (در برخی مواقع) تا قوه تفکر و تعقل خود را منسجم نگه دارید. اساس کشمکش روانی بین عشق و نفرت (پرخاشگری) که فروید به خوبی در ابتدای قرن از آن صحبت نموده است درست جلوی چشمان شماست تا آن را ببینید (اگر بخواهید).

بوریس: بله، بازی در وضعیت پر استرس، حرفه جنگیدن را به ما می‌آموزد، حریف شما نزدیک به شماست و تمام انرژی خود را روی بازی می‌گذارد. برای پیروزی شما باید روح مبارزه را درک کنید و قادر به کنترل خود باشید. اکنون که سفر رقابت‌جویانه خویش را به اتمام رسانده‌ام، تصمیم دارم تا آنچه را آموختم با شما خوانندگان مشتاق به اشتراک بگذارم.

جوئل: می‌توانید قدری در خصوص دستاوردهای شطرنجی خود بگویید؟

بوریس: من دو دوره شطرنجی دارم. یکی در اتحاد جماهیر شوروی سابق (که در سال ۱۹۷۹ زمانی که ما برای مهاجرت اقدام کردیم خاتمه یافت) و دومی هفت سال پس از آن، زمانی که در سال

۱۹۸۶ به ایالات متحده رسیدیم آغاز شد. نقاط برجسته اولین دوره شطرنجی من پیروزی در مسابقات قهرمانی مسکو در سال ۱۹۷۴ و سال ۱۹۸۱ است. در مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۷۵ در کسب مقام دوم با سه بازیکن دیگر (تال، واگانیان و رومانیشین) هم امتیاز بودم و در سال ۱۹۷۷ قهرمانی را به طور مشترک بدست آوردم.

جوئل: چه کسانی رقیبان اصلی شما در آن زمان بودند؟

بوریس: در میان آنها پتروسیان، تال، کارپف، پولوگایفسکی، گلر و اسمیس洛夫 بودند.

جوئل: عجب، چقدر جالب. من همیشه از این در شگفتم که هم‌ردیفان شما در آن سالها قهرمان جهان یا مدعی عنوان قهرمانی در آن سالها بوده‌اند.

بوریس: قدم بزرگ دیگر حائز شرایط شدن برای مسابقه اینترزونا قهرمانی جهان در سال ۱۹۷۵ بود زمانی که با سه نفر دیگر هم امتیاز شدم. من در مقام اول با یان تیمان در دو تورنمنت اینترزونا در یوگوسلاوی سابق هم امتیاز شدم: سومبور ۱۹۷۴ و نیکسیچ ۱۹۷۸. جالب اینکه بیست و هفت سال بعد نیز در مقام اول با یان تیمان در تورنمنت مالمو در سوئد هم امتیاز شدم. همچنین در تورنمنت یادبود کاپابلانکا در سال ۱۹۷۶ در کوبا به مقام اول دست یافتم. این نهایت شرکت من در تورنمنت‌های بین‌المللی بود چرا که مجوز سفر از طرف مقامات شوروی را نداشتم. پس از مهاجرت به ایالات متحده، هر سال در تورنمنت‌های بین‌المللی بسیاری شرکت کردم و نسبت آن، در مقایسه با تورنمنت‌های بین‌المللی‌ای که در طول کل زندگیم در شوروی سابق شرکت کرده بودم، بیشتر بود.

جوئل: به نظر می‌رسد شما با سیستم اتحاد جماهیر شوروی سابق در جنگ تمام عیار بوده‌اید. بوریس: خب، شدیدترین دوئل زندگی من در شطرنج نبود بلکه در جنگ با اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، ما در ماه می سال ۱۹۷۹ برای مهاجرت اقدام کردیم اما هفت سال پس از آن اتحاد جماهیر شوروی را ترک کردیم. در آن سالها حریف من «جناح مسلح حزب کمونیست» - کاگب (سازمان اطلاعات شوروی سابق - مترجم) بود که در آن خصوص در کتاب خودم «کاگب شطرنج بازی می‌کند» نوشته‌ام. اوج این بازی با کاگب یک ماه بود که شامل تظاهرات روزانه به همراه همسر من آنا آخشاروموا (گولکو) بود که ما هر روز بازداشت می‌شدیم. (در ضمن همسر من نیز یک شطرنج باز قدرتمند بود، کسی که دو بار عنوان قهرمانی شوروی سابق و یک بار عنوان قهرمانی ایالات متحده را کسب کرد). با این همه این اقدام، آزادی ما را به ارمغان آورد. من اطمینان دارم که

تجربیاتم از مبارزه‌های شطرنجی مرا در آن درگیری یاری نمود. جوئل: پس شما هفت سال از دوره شطرنجی خود را از دست دادید؟ بوریس: بله، از سن ۳۲ سالگی تا ۳۹ سالگی، اما در نهایت در سال ۱۹۸۶ به ایالات متحده مهاجرت کردم و دوره دوم شطرنجی خود را آغاز کردم. در سال ۱۹۹۴ من جزء هشت نفری بودم که برای مبارزه با کاسپاروف حائز شرایط شده بودند، به همراه ویشی آناند، نایجل شورت، ولادیمیر کرامنیک و سایرین. من در رویارویی با شورت به تساوی رسیدم اما در دیدارهای تکمیلی بازنده شدم. در سال ۲۰۰۰ بین شانزده نفری بودم که کاندید قهرمانی جهان بودند اما دوباره در دیدارهای تکمیلی بدشانسی آوردم. من قهرمانی آمریکا را با ۷ برد، ۶ تساوی و بدون باخت، با یک‌ونیم امتیاز بیشتر از یاسر سیراوان و لری کریستیانسن که برای کسب مقام دوم با هم امتیاز یکسان داشتند بدست آوردم. در سال ۱۹۹۹ من دوباره فاتح قهرمانی ایالات متحده شدم. دستاوردهای دیگر من شامل قهرمانی مسابقات آزاد آمریکا در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۷ هستند. من همچنین مسابقات آزاد جهانی و مسابقات آزاد آمریکا و مسابقه مسترز ایالات متحده را فتح کردم. به‌علاوه در چندین تورنمنت بین‌المللی به پیروزی رسیدم شامل:

فرانسه: مارس ۱۹۸۶ مقام اول - پاریس ۱۹۸۷ مقام اول - کن ۱۹۸۷ مقام مشترک اول و دوم
سوئیس: بی‌یل ۱۹۸۷ مقام مشترک اول و دوم - بی‌یل ۱۹۸۸ مقام مشترک اول و دوم - برن ۱۹۹۴ مقام اول

اسپانیا: لیون ۱۹۹۲ مقام اول - لاس پالماس ۱۹۹۶ مقام اول - سن سباستین ۱۹۸۶ مقام دوم

ایتالیا: رم ۱۹۸۸ مقام مشترک اول تا سوم - رگیو امیلیا ۱۹۹۱ مقام دوم

دانمارک: کپنهاگ ۲۰۰۰ مقام مشترک اول تا سوم

سوئد: مالمو ۲۰۰۱ مقام مشترک اول و دوم

هلند: آمستردام ۱۹۸۷ مقام مشترک دوم تا چهارم - آمستردام ۱۹۸۸ مقام مشترک اول تا سوم

آلمان: مونیخ ۱۹۹۱ مقام مشترک دوم تا پنجم

ارمنستان: ایروان ۱۹۹۴ مقام سوم

ایالات متحده آمریکا: سان‌فرانسیسکو ۱۹۹۵ مقام مشترک دوم و سوم

کانادا: مونترال ۱۹۹۲ مقام اول

شیلی: وینادل مار ۱۹۸۸ مقام دوم- کوراسائو ۲۰۰۳ مقام مشترک اول تا سوم، ۲۰۰۴ مقام مشترک اول و دوم

کلمبیا: ایباگه ۱۹۹۷ مقام مشترک اول و دوم- کالی (قهرمانی قاره آمریکا) ۲۰۰۱ مقام مشترک دوم تا پنجم

جوئل: احسنت، شما با وجود تنوع و گوناگونی تورنمنت‌ها از عهده بسیاری از آنها برآمده‌اید. حقیقتاً کار با شما مزیت بزرگی است. اجازه دهید به خوانندگان بگویم چطور تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتیم.

بوریس: زمانی که با شما شروع به کار کردم، متوجه شدم که عقاید و نحوه تفکر شما نسبت به مطالعه شطرنج، به‌عنوان یک شطرنج‌باز در سطح بازیکن باشگاهی، ویژگی‌های معمول را دارد. شما مثل بقیه میل به مطالعه گشایش‌ها داشتید چون فکر می‌کردید ناگزیر برای شما پیروزی به ارمغان می‌آورد. وقتی بازی‌های شما را بررسی کردیم شما همچنان روی گشایش خود تمرکز کرده بودید و احساس می‌کردید که نبرد در آنجا در جریان است. ما شروع به مطالعه گشایش‌ها کردیم (البته شما باید قدری در مورد آن بدانید) اما همچنان که به جلو می‌رفتیم، هنگامی که فرصت آن با بالا رفتن سطح بازی‌ها به‌وجود آمد، من آموزش عناصر استراتژی و تاکتیک را شروع کردم. همین‌طور که بازی‌ها را بررسی می‌کردیم، به نظر می‌رسید که بازی‌های من برای شما بسیار آموزنده است. اینجا کنجکاوای ذاتی شما در مورد روانشناسی خود را نشان داد، آنجا که مرا برای توضیح دادن در مورد اتخاذ تصمیمات تحت فشار می‌گذاشتید، این که چرا و چطور یک تصمیم را اتخاذ می‌کنیم. حالا بود که ایده‌ای به ذهنمان خطور کرد: گفتگویمان را ثبت کنیم و در دسترس همگان بگذاریم.

جوئل: درست است، به‌خصوص اینکه در این مکالمه‌ها من معرف یک بازیکن باشگاهی متوسط هستم و فکر کردم آموزش‌هایی که در خصوص مصاحبه و روان‌درمانی دیده‌ام، مرا قادر خواهد ساخت تا به کشف و نشان دادن جزئیات و ظرایفی کمک کنم که در دسترس شطرنج‌بازان متوسط نیست.

بوریس: اما من به خاطر سالها یادگیری می‌دانم فقط آشنایی با مثال‌های خوب باعث نمی‌شود که بازیکن مهارت لازم را برای حل مسئله بدست آورد. بنابراین لحظات بحرانی بازی‌هایی را که با هم کار کردیم، مشخص کردم و از شما راه‌حل درست وضعیت را پرسیدم. همچنین پس از روشن کردن هر مسئله، درجه دشواری یا پیچیدگی آن را مشخص کردم تا حسی را به شما منتقل کنم که

می‌گوید چه نوع کوششی برای این پوزیسیون لازم است.

ما از بازی‌هایی که پیچیدگی کمتری داشتند شروع کردیم و به سمت بازی‌های پیچیده حرکت کردیم. دیدن افزایش درک شما از استراتژی از درسی به درس دیگر، برایم رضایت‌بخش بود. البته شما همزمان در حال یادگیری عناصر تاکتیک و پویایی مبارزه شطرنجی و روانشناسی آن بودید. خصوصاً من مباحثات شما را درباره روانشناسی شطرنج جالب دیدم. به‌عنوان یک پروفیسور روانشناس شما ارتباط عمیقی بین توصیه‌های عملی من و روانشناسی تئوریک دیدید. شاید شما بتوانید قدری در مورد خودتان به خوانندگان بگویید؟

جوئل: البته. من اهل نیویورک هستم و برای دوره لیسانس به دانشگاه نیویورک رفتم جایی که در روانشناسی متخصص شدم. من درجه دکترای خود را در زمینه روانشناسی بالینی در دانشگاه امهرست ماساچوست با مطالعه روی تغییر شخصیت در طول زندگی بدست آوردم. پس از تکمیل بورس تحصیلی فوق دکترای در آمار، به‌عنوان بورسیه فوق دکترای شروع به تمرکز تحقیقاتم بر افسردگی ناشی از پیری در دانشگاه کلمبیا و مؤسسه روانشناسی نیویورک نمودم. من اکنون استادیار روانشناسی در کوئینز کالج شهر نیویورک هستم. همچنین به‌صورت پاره‌وقت استادیار روانشناسی دارویی در دپارتمان روانشناسی دوران کهنسالی و اپیدمیولوژی روانشناسی در انستیتو روانشناسی نیویورک می‌باشم. (روانشناسی دارویی شاخه‌ای تخصصی از روانشناسی بالینی است که بر ارتباط سلامتی و رفتار تمرکز دارد به تعبیر دیگر، کاربرد قوانین و قواعد روانشناسی در به‌کارگیری داروهایی است که در اختلالات روانی و جسمانی مصرف می‌شوند- مترجم)

من مدیر آزمایشگاه لایف اسپن هستم که بودجه تحقیقاتی‌اش را مؤسسه ملی سلامت روانی تأمین کرده است. من در حکم یک روانشناس بالینی، به منظور تشخیص بیماری و درمان، آموزش‌های فشرده‌ای در زمینه علم آسیب‌شناسی روانی دیده‌ام. اگر خوانندگان تمایل دارند در مورد من یا تحقیقاتم اطلاعات بیشتری داشته باشند می‌توانند از سایت www.lifespan.org بازدید نمایند.

بوریس: بسیار جالب بود. به نظرم پیشینه شما به‌عنوان یک دانشمند مسائل بیشتری در پیشرفت شطرنجی پدید آورد. من این را بیشتر متوجه شده بودم چرا که متد و شیوه تفکر شما در شطرنج مفهومی و کلی و به تعبیری انتزاعی است. به‌عنوان یک محقق، شما به قواعد و قوانین عمومی نیاز دارید تا با شطرنج مانند یک علم برخورد کنید. اما، بخشی از شطرنج علم، بخشی هنر و بخشی ورزش است و این همان چیزی است که شطرنج را شگفت‌انگیز می‌کند. بعد از خواندن چند کتاب

کلاسیک در خصوص آموزش شطرنج نظیر «سیستم من» نوشته نیمزوویچ، شما به بعضی ایده‌ها واقف می‌شوید اما تحت‌تأثیر این کتاب‌ها (و شاید پیشینه علمی خود) طرز تفکری تک بعدی برای ارزیابی پوزیسیون پیدا می‌کنید. این یکی از دلایلی بود که من شروع به طرح مسئله، به ترتیب پیچیده بودن و درجه سختی، برای شما کردم تا کاری کنم که فرآیند تفکر شما در مورد حل مسائل شطرنجی، بیشتر واقعی و بر پایه عواملی باشد که وجود خارجی دارند. فکر می‌کنم با هم به این نتیجه رسیدیم که تهیه کتابی درباره بازی‌های من با استفاده از شیوه‌ای که تدوین کرده‌ایم می‌تواند مفید باشد و بنابراین سفرمان را شروع کردیم.

جوئل: بله و سفر آغاز شد.

بوریس: در کنار هم، بازی‌هایم را بررسی کردیم. بازی در برابر کارپف مبحث نبرد بر سر ستون باز، در برابر کاسپاروف در مورد استراتژی دفاع، در برابر هوبنر مبحث آموختن پیشگیری، در برابر اسمیسلف مبحث خانه‌های ضعیف، در برابر کورچنوی و شبالوف (با مهره سفید) مبحث رازهای پوزیسیون با وجود سوارهای سنگین را داشتیم. از این طریق من سعی داشتم با شما در مورد مسائل به ظاهر غلط و مهمل ولی در واقع درستی که در استراتژی شطرنج وجود دارند بحث کنم. در بازی‌هایم با گلفاند و شبالوف (با مهره سیاه) قربانی پیاده‌ای وجود داشت که هدفش گمراهی و باز داشتن یکی از سوارهای حریف از فعالیت اصلی خود بود، در بازی با یوسوف، قربانی با طرح ضد حمله بود و در بازی با هورت و آدامز بحث در مورد ضعف خیالی و ضعف واقعی بود، با براون مزیت‌های پیاده دو پشته را در مرکز مشاهده کردیم. در بازی با هکتور، روی تغییر ناگهانی طرح و توفان پیاده‌ای برای مقاصد پوزیسیونی تمرکز کردیم، در بازی با سوئین، بحث در مورد مزیت‌های پیاده‌های ضعیف و منفرد بود که ستون‌ها و قطرهای باز را در اختیار سوارها قرار می‌دهند، در بازی با لارسن خود را با فیل «بد» دست به گریبان دیدیم به این معنی که آنها در دفاع مفید نیستند اما زمانی که شما ابتکار عمل دارید می‌توانند خیلی ارزشمند باشند. عناصر استراتژی شطرنج که در این بازی‌ها وجود دارند بخش بزرگی از استراتژی مدرن شطرنج را تشکیل می‌دهند که اغلب در راهنماها و کتب آموزشی کلاسیک ذکر نشده است. هدف من این بود که این دانش درونی و ناپیدا را در دسترس شما قرار دهم.

همان‌طور که قبلاً گفتم در شطرنج، صرفاً با خواندن به استادی نمی‌رسید. همان‌گونه که موفقیت‌های آموزشی قابل ملاحظه مارک دوورتسکی نشان داده است، بهترین شیوه بدست آوردن

استادی پیدا کردن راه حل است. بنابراین، در لحظه های مناسب من مسئله را مطرح می کنم تا حرکات و راه صحیح را پیدا کنید. مسئله ها در پنج سطح دشواری مطرح می شوند: (۱) آسان (۲) قدری دشوار (۳) دشواری در حد متوسط (۴) بسیار دشوار (۵) بیش از حد دشوار در هر یک از بازی ها من برای شما و خوانندگان مسائلی مطرح می کنم و شما آن قدر فروتن هستید که روند و فرآیند تفکر خود را برای همه بازگو کنید. توصیه می کنم خوانندگان این مسائل را حل کنند و جواب را با تجزیه تحلیل شما و من مقایسه کنند. احتمالاً آنها با فرآیند تفکر شما و راه حل من تشابهی خواهند یافت که هدف آنها تصحیح نمودن نقصان موجود در نحوه استدلال شماست.

جوئل: این کتاب برای چه کسانی است؟

بوریس: من فکر می کنم این کتاب، برای شطرنج بازان در سطح بازیکن باشگاهی که می خواهند درک خود را از استراتژی شطرنج بهتر کنند و زرادخانه ایده های استراتژیک خود را گسترش دهند بی نهایت مفید است، اما به نظرم برای بازیکنان حرفه ای نیز جالب باشد. زمانی که برای کسب مقام بازی می کردم، عادت داشتم مسائلی را که در بازی عملی پیش می آمد، حل کنم و این ابزار فوق العاده ای بود تا خود را به بهترین شرایط برسانم و پوزیسیون های مورد بحث در این کتاب می تواند برای بازیکنان در هر سطحی که باشند چنین منظوری را برآورده کند.

جوئل: خب فکر می کنم معرفی کتاب را انجام دادیم مگر اینکه شما مورد دیگری به نظرتان برسد؟ بوریس: نه، گفتنی ها را گفتیم. بیایید شروع کنیم. همان طور که گفتم، شطرنج از طریق خواندن آموخته نمی شود!

بازی بیستم

ب. گولکو - و. اسمیسلف

قهرمانی شوروی، لنینگراد ۱۹۷۷

بازی انگلیسی

جوئل: این همان سالی بود که قهرمانی شوروی را بدست آوردید؟
 بوریس: بله.

جوئل: بازی با اسمیسلف چه حسی داشت؟
 بوریس: در سال ۱۹۷۷ اسمیسلف ۵۶ سال

داشت. من فکر کردم که او یک پیرمرد است و استراتژی من این بود که بازی را تبدیل به یک نبرد دینامیک کنم و او را از لحاظ تاکتیکی شکست دهم. البته وقتی من ۵۶ سال داشتم خودم را پیر به حساب نمی‌آوردم یا کسی که از لحاظ تاکتیکی شکست بخورد. شاید آن زمان خیلی به خودم مطمئن بودم.

5 e3 d6 6 ♘ge2 ♘ge7 7 ♖b1 a5
 8 d3 ♙e6 9 ♘d5 ♚d7 10 a3

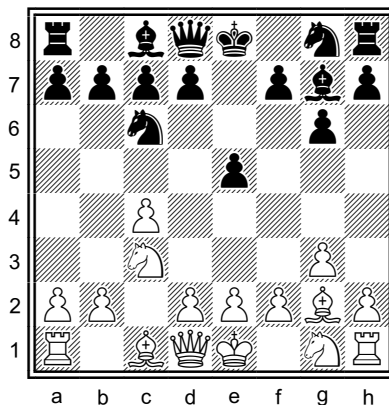
بوریس: به تعویق انداختن قلعه، ایمن‌تر است چرا که پس از 10 0-0 سیاه می‌تواند با 10...h5!? سفید سازمان دهد.

10...0-0

بوریس: سیاه وقت ندارد که جناح وزیر سفید را با 10...a4? تثبیت کند چرا که ♘ec3.

11 0-0 ♚h8

1 c4 e5 2 g3 ♘c6 3 ♙g2 g6 4
 ♘c3 ♙g7

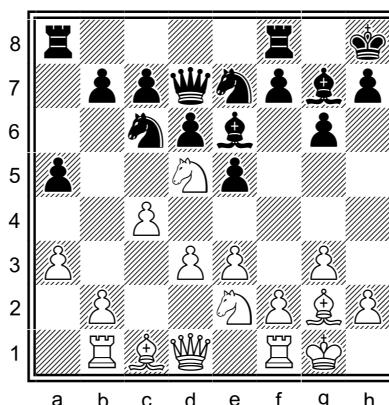


بوریس: ملاحظات شما از لحاظ سطحی درست هستند اما به صورت عمقی من با شما موافق نیستم. یکی از عوامل مهم در تخمین یک پوزیسیون چشم‌انداز یا دیدن آینده سوارهای سبک است. آیا خانه‌های خوبی دارند که به آن نقل مکان کنند؟ اگر من $b4$ 12 بازی کرده بودم اسمیس‌لوف می‌توانست با $12...axb4$ 13 $axb4$ ادامه‌ای مطابق با سبک معمول وی، حرکات $13...xd5!$ 14 $cx d5$ $\text{♞}a7$ اسب سیاه یک خانه دنج در $b5$ دارد و به همراه ستون a و امکان $c7-c6$... که به سیاه بازی خوبی می‌دادند.

جوئل: منظورتان چه سبکی است؟

بوریس: اسمیس‌لوف استاد برجسته‌ای در پیدا کردن خانه‌های خوب برای سوارهایش بود که پوزیسیونش را هماهنگ می‌کرد و کیفیت پوزیسیون را به نفع خودش عوض می‌کرد. او به پوزیسیون‌های تندوتیز چندان تمایلی نداشت این واریانت سبک او را به خوبی نشان می‌دهد. جوئل: پس این حقیقت که اسب سیاه در $b5$ در جایی عالی قرار می‌گیرد اساساً این واریانت را برای سفید بد می‌کند؟

بوریس: بله، گرچه «بد» ممکن است واژه خیلی تندی باشد. سفید هیچ برتری‌ای ندارد. بهتر است از دادن چنین فرصتی به سیاه دوری کرد.



تمرین: آیا حرکت $b4$ 12 حرکت مناسبی است؟ (درجه ۳)

جوئل: سفید فضای بیشتری در جناح وزیر دارد و سوارهایش به خوبی برای گسترش جناح وزیر مستقر شده‌اند و حرکت $b4$ 12 کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. طرح سیاه در این پوزیسیون انجام حرکت $f7-f5$... یا $h3$... و تعویض فیل پر اهمیت خانه‌های روشن سفید است. اگر $12 b4 axb4$ 13 $axb4$ $\text{♞}h3$ 14 $\text{♞}xh3$ $\text{♞}xh3$ 15 $\text{♞}xc7$ سفید می‌برد. اگر $12 b4 axb4$ 13 $axb4$ $f5$ 14 $b5$ $c7-c6$... بازی کند و اسب را بدون باز کردن ستون b برای رخ‌های سفید از جایش براند) $14...d8$ (پوشش دادن پیاده $b7$) $f4$ 15 (جلوگیری از حرکت $f5-f4$... سیاه) و وضع سفید خوب است.

دادن یک پیاده $15... \text{e7}$ کند، چرا که 16
 xe7 xe7 xb7

بوریس: در چنین پوزیسیون‌های پیچیده‌ای فقط
 یک راه استراتژیک وجود ندارد. خوب است
 که شما طرح سیاه را فهمیدید اما من 14
 ec3 را بازی نکردم چون به سیاه اجازه
 می‌داد از شر اسب خود در e7 که خوب
 مستقر نشده است، خلاص شود.

جوئل: جالب است به این فکر نکردم که سیاه
 بخواهد از شر سوار بد خود خلاص شود، بلکه
 به سفید فکر کردم که چطور سوارهای خویش
 را حفظ کند.

بوریس: سفید فضای بیشتری دارد و مانور دادن
 با سوارهایش ساده‌تر است بنابراین سفید باید
 از تعویض پرهیز کند مگر موقعی که تعویض
 برایش برتری بیشتری به همراه آورد. در
 واریانت شما 14 ec3 xd5 15
 xd5 سیاه d8 15... و در ادامه آن
 e6 ... را دارد و سپس برای c7-c6 ...
 مهیا می‌شود.

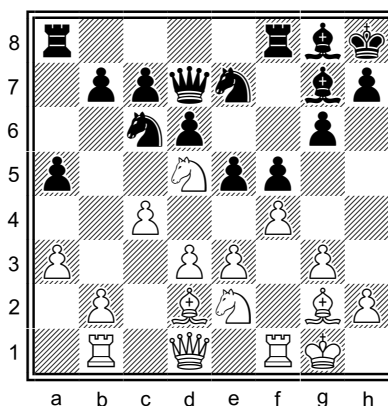
14 a4!

بوریس: سفید با تهدید افزایش فشار با 15
 b5 سیاه را وادار به تعویض در d5 می‌کند.

14... xd5 15 cxd5 b8 16
 c2!

بوریس: حالا که سیاه را وادار به عقب کشیدن
 اسبش به b8 کردم، امیدوارم تا از استقرار

12 d2! f5 13 f4 g8



تمرین: سیاه در حال تدارک چه چیز می‌باشد؟
 سفید باید چه بکند؟ (درجه ۳)

جوئل: سیاه در حال مهیا شدن برای اخراج
 اسب از خانه d5 با انجام 15 xd5 14...
 e7 cxd5 می‌باشد. برای فراهم کردن زمینه
 این کار، او فیل را به عقب می‌کشد بنابراین
 xd5 14... سواری از دست نمی‌دهد.
 سفید چه باید بکند؟ من به سه گزینه
 می‌اندیشم: 14 ec3 (تقویت اسب در d5 ،
 c3 14 (به چالش کشیدن فیل خانه‌های
 تیره سیاه) و e4 14 (جلوگیری از گسترش
 جناح شاه سیاه). من حرکت 14 ec3 را
 دوست دارم چون اخراج اسب از d5 را (بدون
 صرف نظر کردن از دو فیل) سخت‌تر می‌کند.
 اگر 14... xd5 (متعاقب طرح او) آنگاه
 xd5 15 و سیاه نمی‌تواند بدون از دست

پیدا کنم: $!d8 \text{ ♔}$ $!a4? \text{ ♘}$ 18 و به همراه آن $d7 \text{ ♘}$... امیدی در پی ندارد. درنهایت حرکت متناقض‌نمای $!dxc6$ 18 را کشف کردم. برای من این سخت‌ترین حرکت بازی بود. اول من اسب را وادار به عقب‌نشینی به $b8$ کردم و حالا اجازه دادم با حرکت $!xc6 \text{ ♘}$ 18... باز گردد اما مهم‌ترین عامل این است که با این تعویض من خانه‌های $a4$ و $b5$ و $d5$ را به عنوان نقاط ضعف برای سیاه تثبیت کردم. اضافه کنم مبادله برتری‌های پوزیسیونی یکی از دشوارترین جنبه‌های بازی پوزیسیونی است یعنی دادن یک برتری پوزیسیونی به ازای گرفتن یک برتری پوزیسیونی دیگر.

جوئل: حرکت $!bxc6$ 18... چگونه است؟ می‌دانم اسب را از بازگشت به بازی محروم می‌کند اما سفید را نیز از خانه مهم $d5$ محروم می‌کند.

بوریس: در صورت $!bxc6$ 18... من طرح انجام $e4$ 19 و مقدمه‌چینی برای فعالیت در جناح شاه و بهره‌برداری از اسب و رخ‌های بدجای سیاه را داشتم. ایده اصلی این است که باز کردن پوزیسیون به خاطر اسب بدجا و رخ $c8$ به نفع سفید است. اما حالا فکر می‌کنم 19 $a4 \text{ ♘}$ 20 $!xe5 \text{ ♕}$ $!fxe5$ و متعاقب آن $c3 \text{ ♕}$ احتمالاً بهتر بود.

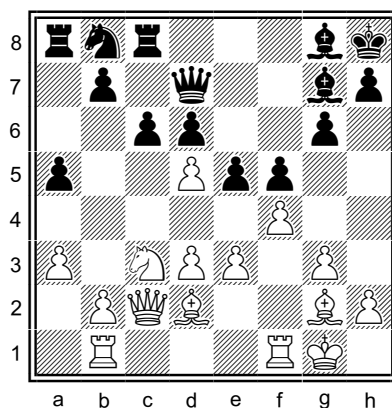
$!ab8 \text{ ♖}$ $!a4 \text{ ♔}$ 19 $!xc6 \text{ ♘}$ 18...

نامناسب آن کسب برتری کنم.

جوئل: این منطقی به نظر می‌رسد و توضیح می‌دهد که چرا وزیرها را تعویض نکردید اما چرا $c2 \text{ ♔}$ 16 را بازی کردید؟ $b3 \text{ ♔}$ 16 چگونه بود؟

بوریس: $b3 \text{ ♔}$ 16 از هر نظر بد بود چون در آینده بایستی گزینه $b2-b4$ یا اعمال فشار بر $c7$ را از طریق ستون c حفظ می‌کردم. همچنین دلایل تاکتیکی برای بد بودن آن وجود دارد. این کار به سیاه اجازه $a6 \text{ ♘}$ 16... را می‌دهد و اگر $!xb7 \text{ ♔}$ 17 آنگاه $c5 \text{ ♘}$ 17... و وضع سیاه بهتر است.

$c8 \text{ ♖}$ $c3 \text{ ♘}$ 17 $c6$ 16...



تمرین: بهترین ادامه برای سفید کدام است؟ (درجه ۴)

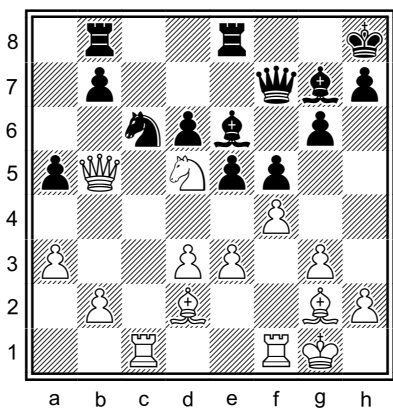
$!dxc6$ 18

بوریس: اینجا من بیست دقیقه فکر کردم و نتوانستم راهی برای نگه‌داشتن برتری خودم

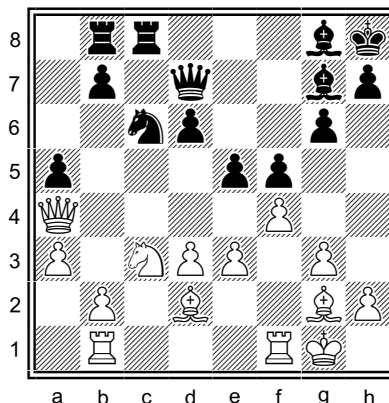
مقام مقایسه هیچ کدام از نواقص را شامل نمی شود و از انجام حرکت $b7-b5$... سیاه جلوگیری می کند. بنابراین حرکت $b5$ ♖ 20 را انتخاب می کردم.

بوریس: سفید با حرکات قبلی خود ضعف هایی در خانه های روشن $d5$ و $b5$ ایجاد کرده است و بنابراین طرح او باید (طبق گفته نیمزوویچ) بلوکه کردن این خانه ها باشد. بلوکه کردن این خانه ها محدودیت حرکت را در کل پوزیسیون سیاه شیوع خواهد داد. از میان حرکاتی که شما در نظر گرفتید فقط یکی این ضعف ها را تثبیت می کند و مانع $d6-d5$... یا $b7-b5$... می شود که مشکلات سیاه را حل می کند. همچنین در واریانت هایی که در نظر گرفتید، بی دقتی های تاکتیکی کوچکی وجود داشت، اما نتیجه گیری کلی شما صحیح بود.

20 ♖b5 ♙e6 21 ♘d5 ♚f7 22 ♙bc1 ♙e8



بوریس: در صورت $d8$ ♙... 19 سفید 20 $d5$ ♘ را با برتری واضح دارد. بعد از حرکت اسمیسلفوف، سیاه طرح $b7-b5$... را دارد.



تمرین: طرح سفید چیست و چگونه باید آن را آغاز کرد؟ (درجه ۳)

جوئل: طرح سفید باید کنترل خانه های روشن در اردوگاه سیاه و مهار وزیر سیاه باشد، یعنی آن را محدود نگه داشت. من چند حرکت را در نظر گرفتم شامل $b5$ ♖ 20 و $d5$ ♘ 20 و $b4$ و $b5$ ♘ 20. من $b5$ ♘ 20 را به خاطر $a7$ ♘... 20 رد کردم چرا که باعث می شد سیاه از آچمزی اسب برتری کسب کند. $d5$ ♘ 20 را هم رد کردم چرا که $b5$... 20 $xb4!$ ♘ $b4$ ♙ 21 $axb4$ ♙ 22 $axb4$ ♙ 20 جالب بود اما پس از $axb4$ ♙ 21 $axb4$ ♙ 22 $axb4$ ♙ 20 وزیر باید عقب نشینی کند و سیاه خود را خلاص می کند. حرکت $b5$ ♖ 20 در